



# گنج‌های پنهان این شهر شلوغ

تاریخ دیرینه تهران را از پنجره اکتشافات آثار باستانی  
ودقیقه‌ها تماشا کنید

گزارش را با اسکن  
این کیوارکد ببینید.



قصه مکتبخانه‌های تهران قدیم

## وای به حال دختری که مشق بلد باشد



مدیر هنری	مسئول صفحه	نظارت	مدیر مسئول	صفحه‌خوایی	صفحه‌نویسی	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	
خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج
۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹

مدیر هنری	مسئول صفحه	نظارت	مدیر مسئول	صفحه‌خوایی	صفحه‌نویسی	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول	مدیر مسئول
خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج	خروج
۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹

سه شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۲ شماره ۳ صفحه ۸

## آقای دکتر، پشت ترازی مهربانی

بهاره خسروی

حمید امین، شاگرد مکتب پدری است که همیشه به کسب رزق و روزی حلال تاکید و توصیه می‌کرد که مبادا کسی دست‌خالی از مغازه بیرون برود.



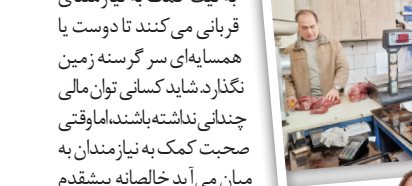
حمید امین، کاسب خوشنام محله انبارنفت است. آقای امین با داشتن مدرک دکتری روانشناسی و سال‌ها فعالیت و مشاوره در این‌رشته هم‌چنان به حرفه قصایی و کسب‌وکار آباواجدادی‌اش وفادار مانده و چراغ مغازه پدر را روشن نگه‌داشته است. حمید امین، با پایدی از پدر سر صحبت را با مرور روزهای کودکی‌اش باز می‌کند: «قصایی حرفه مورثی در خانواده ماست و به آن افتخار می‌کنیم. حرفه بزرگان زیادی مانند صدرالمطاهین قصایی بود. پسر ارشد خانواده بودم و اغلب کتاب به‌دست همراه پدرم به کشتار گاه می‌رفتم و این باعث تعجب بسیاری بود. دنبال علاقه‌ام رفتم و درس خواندم را تا رسیدن به بالاترین مدارج علمی و دکتری روانشناسی ادامه دادم.»

ترازی رو به مشتری سنگین باشد

حمیدخان با وجود اینکه با ادامه تحصیل مسیر زندگی و حرفه‌اش تغییر کرد و در کلینیک‌های مشاوره مشغول فعالیت شد، اما حرفه قصایی را رها نکرد و همچنان در ساعات‌های فراغت از کار، کنار پدر مر حوشم بود. او شاگرد مکتب پدری بود که همیشه به کسب رزق و روزی حلال تاکید داشت و مهم‌ترین توصیه‌اش در این مسیر، سنگین کردن کفه ترازی به سود مشتری بود.

رسمی که از «هرشدرچلوبی» به یادگار ماند

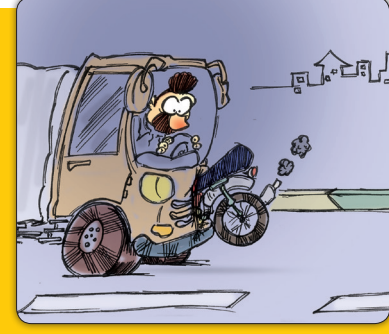
پدر و مادر آقای امین هر دو اهل محله مولوی و بیچمحل «هرشدرچلوبی» معروف بازار تهران بودند. این کاسب با برام به تأسی از «هرشدرچلوبی» اوایل کار توزیع گوشت رایگان را به‌تنهایی شروع کرد، اما به‌مرور خیران زیادی پای‌ثابت این کار خدای‌پسندانه شدند: «کم‌پسندند افراد بی‌ریایی که یک گوسفند کامل را



به نیت کمک به نیازمندی قربانی می‌کنند تا دوست یا همسایه‌ای سر گرسنه زمین نگذارد. شاید کسانی توان مالی چندانی نداشته باشند اما وقتی صحبت کمک به نیازمندان به میان می‌آید خالصانه پیشقدم می‌شوند.» امین با توجه به سابقه سکونتی و اطلاع از وضعیت زندگی بسیاری از اهالی، در گوشه بیخجال مغازه در بیشتر مواقع بسته‌های یک کیلویی در نایلون‌های سیاه‌رنگی که یک به‌یک نیازمندان دارد و به‌نحو مقتضی آنها را به‌دست نیازمندان می‌رساند.

حال خوب با کار خوب

آقای امین درباره اهمیت کمک به دیگران و تأثیرات آن در زندگی چنین می‌گوید: «در واقع بانجام کار خیر، اول حلال خودمان خوب می‌شود. اینکه دعای خیر هر چند به‌ظاهر کوچک و به‌اندازه یک «خدا خیرت دهد» پشت سرمان باشد در گرفتن حس و روحیه خوب اهمیت وصف‌شدنی دارد. به همین دلیل به‌انجام کار خیر و کمک به دیگران، توصیه‌های فراوانی در حوزه دین و اخلاق می‌شود.»



### چهار

با موتور یک طرفه نیروید. جدی عرض کردم؛ با موتور یک طرفه نیروید....



### سه

موتور با سایر وسایل نقلیه فرقی ندارد. باید توی خیابان با آن تردد کرد....



### دو

هنگام موتور سواری، از کلاه ایمنی استفاده کنید....



### یک

با موتور در خیابان آکروبات نکنید....

این جوان ۱۸ساله با طراحی سایت‌های مختلف برای خود و دوستانش درآمد ایجاد کرده است



## اشتغال‌زایی برای دهه‌هشتادی‌ها

ابوذر امیرانی از سن کم شروع به طراحی سایت کرده و اینک تنها خودش، بلکه ۴۵دهه‌هشتادی را مشغول کار کرده است. ابوالفضل

صادقیان مجدد و دوستانش سایت‌های حرفه‌ای مختلفی طراحی کرده‌اند و آنها را مدیریت می‌کنند. صادقین ۱۵سایت با موضوع‌ها و زمینه‌های مختلف طراحی کرده و برای اداره و تولید محتوای هر کدام از آنها، ۱۲نوجوان مشغول فعالیت شده‌اند. جرقه طراحی سایت از ۱۲سالگی به ذهن ابوالفضل صادقین مجد رسید؛ همان زمان که دانش آموز کلاس ششم بود و قصد داشت وارد مدرسه تیزهوشان شود. شب امتحان خبردار شد که ممکن است مدارس به خاطر آلودگی هوا تعطیل شوند، اما وقتی در سایت‌ها جست‌وجو کرد، نمی‌دانست خبر کدام یک صحت دارد. بنابراین تصمیم گرفت سایت معتبری طراحی کند تا مردم به‌خاطر آن اطمینان پیدا کنند.

پدر ابوالفضل که تلاش سپرش و دوستانش را می‌دید، مغازه کوچکی به‌عنوان دفتر کار در اختیارشان گذاشت تا آنجا کارهایشان را ادامه دهند، اما همین همکاری سبب شد مجوز طراحی سایت‌ها به اسم پدر و مادر ابوالفضل صادر شود؛ چرا که آن زمان طی مراحل دریافت مجوز برای چند نوجوان سخت و حتی غیرممکن بود.

کسب‌ترب فعالیت‌ها

ابوالفضل و دوستانش ۳گروه وب‌سایفی به نام‌های دامپوز، دما تا ک و دما موزیک راه‌اندازی کرده و محتوا و اداره هر کدام می‌چرخانند. تولید محتوا و اداره هر کدام از این سایت‌ها از سوی ابوالفضل و دوستانش انجام می‌شود و قصد دارند فعالیت‌های خود را گسترش دهند. تبلیغات هم به‌درآمد رسیده‌اند و امیدوارند نوجوان‌ها و جوان‌های بیشتری را مشغول به‌کار کنند.



### شکست در اول راه

وقتی ابوالفضل وارد مدرسه نمونه دولتی شهید چمران شد، به تشویق همکلاسی‌اش علی رحیمی، شروع به طراحی سایت کرد. همان زمان فراخوان همکاری در یک کمپین برای طراحی سایت را دید، اما فهمید طراحی سایت نیاز به مهارت‌های زیادی دارد و نمی‌تواند با دانشی که در این زمینه دارد، با این کمپین همکاری کند.

ابوالفضل برای افزایش توانایی و مهارت خود، بلافاصله پس از امتحانات و تعطیلی مدرسه، در کلاس‌های تولید محتوا و کدنویسی سایت شرکت کرد و با الفبای کار آشنا شد. سپس به جای شرکت در کلاس‌های دیگر که دوره‌های طولانی داشت، خودش دست به‌کار شد و مطالب آموزشی که در سایت‌ها وجود داشت را مطالعه کرد. این تلاش شبانه‌روزی سبب شد تا پایان تابستان همان سال، سایت خبری «خبریکو» را طراحی کند، اما نبود تبلیغ برای معرفی سایت، سبب شد تا استقبال چندانی از آن نشود.

### راه‌اندازی پویش ۵هزار تومانی در جوادیه

اعضای مرکز نیکوکاری انجمن جوادیه تهران در اقدامی خیرخواهانه، با راه‌اندازی پویش ۵هزار تومانی به کمک خانواده‌های محروم و نیازمند می‌روند. علی چیکنگسری، فعال اجتماعی محله جوادیه، در این باره گفت: «هدف اصلی از راه‌اندازی این پویش جمع‌آوری خیرات نقدی شهروندان ساکن در این محدوده برای ارائه خدمات متنوع به خانواده‌های نیازمند است». از جمله تهیه و توزیع اقلام و کالاهای ضروری، کیف و کفش کودکان، دارو و درمان، چیزی به برای نوزدرسان و.... «او اضافه کرد: «هر چند برای انجام کارهای خیرخواهانه زمان مشخصی وجود ندارد اما به پیشنهاد مردم محل، تمرکز فعالیت این پویش پنجشنبه هر هفته است تا شهروندان بتوانند بخشی از خیرات و نذورات مادی خودشان را در این راه صرف کنند و ثواب آن به روح اموات‌شان برسد.»

معمومه علی تقی پور



### جادوی بازار رنگارنگ بهار

بهار است و جلوه‌های شگفت‌انگیز و رنگارنگی نو برنوازه‌اش؛ میوه‌هایی که در رنگ، طعم و انواع مختلف چشم‌بیننده را نوازش می‌دهد و از او دلبری می‌کند. این‌روزها که هوا هنوز لطیف است، برای لذت بردن از زیبایی‌های بهاری هم که شده سری به بازارهای بزرگ شهر بزنید که همه جای تهران هست. مثل اهالی تجریش که به بازار تجریش رفته‌اند و عکسی از میوه‌های رنگ‌به‌رنگ این بازار گرفته‌اند و برای ما فرستاده‌اند. مطمئن باشید خرید هم که نکنید ذوق‌تان از دیدن این همه رنگ و نقش که هنرمدانان در مسجدهای مخصوص چنانمی‌شده، گل می‌کند. اگر هم دلبری این نو برانه‌های گرانبه‌ایتم و سوسه خرید را در شما زنده کرد، ناراحت نباشید. نشانی نزدیک‌ترین میدان تره‌بازار در گوگل جست‌وجو کنید و این خوشمزها را با قیمت پایین‌تر بخرید و نوش‌جان کنید.



### خاطره‌سازی‌های شیرین قناد تهرانی‌پرسی

مهدی نعیمی، کاسب ۴۳ساله محله نیاپارس، سال‌هاست قنادی دارد و از آنجا که پای ثابت کمک‌های خیرخواهانه گروه‌های جهادی محله به نیازمندان است، بین اهالی به شیرینی فروش مهربان شهره است. به گفته اهالی، قناد نیکوکار محله در برنامه‌های جهادی توزیع اقراق شب‌عید، شب یلدا و سایر مناسبت‌های مذهبی و ملی پیشگام است و با اهدای صدها جعبه شیرینی کام‌نیازمندان محله را شیرین می‌کند. اهدای ۴۵۰ جعبه شیرینی در عید نوروز گذشته و ۲۴۰ جعبه شیرینی در شب یلدا بخشی از کمک‌های این کاسب نیکوکار به نیازمندان محله است. این کاسب نیکوکار معتقد است با اهدای شیرینی، هم زندگی‌اش شیرین شده و هم افتخار خادمی مردم اموم رضا(ع) و امام حسین(ع) را پیدا کرده است.



### روپاه زیرک؛ مسافریکی از خودروهایی شهرک امید!

چند روزی است که تصویریک روپاه‌بازمه در حالی که در محوطه یکی از برج‌های شهرک امید، روی خودروی سواری یکی از ساکنان شهرک نشست در شبکه‌های مجازی ساکنان شهرک تهران دست‌به‌دست می‌شود. اهالی شهرک امید با پرسه‌روپاه و سنجاب در خیابان‌ها و بوستان‌های شهرک بیگانه نیستند. نزدیکی بوستان جنگلی لویزان به این شهرک هرگز از گاهی پای گونه‌های مختلف جانوری را به این محدوده مسکونی باز می‌کنند و البته اهالی هم با این مهمان‌های ناخوانده خوب تا می‌کنند. بوستان لویزان که در همسایگی شهرک امید، میزبان گونه‌های متنوع جانوری ام از سنجاب، روپاه و پرندگان از گونه‌های شاهین و کبوتر کوهی و... است پس از این جانوران را در پی یافتن غذا به شهرک‌امید و محله‌های اطراف آن باز کرده است.



**۹۰۰ سال**  
از عمر چنار بقعه امامزاده پیحیی (ع) در محله عدولاجان می‌گذرد. این درخت با ۷متر قطر، سال ۱۳۳۰ در فهرست آثار ملی به‌عنوان کنسراسرترین درخت چنار از سوی اداره باستان‌شناسی به ثبت رسید.

**۸۶ سال**  
پیش‌موزه ایران باستان با نام رسمی موزه ملی ایران در خیابان سی‌تیر ساخته شد و عنوان نخستین موزه با بنای مستقل پایتخت را به خود اختصاص داد. ساخت موزه سال ۱۳۰۸ شروع شد و ۸سال بعد به پایان رسید.

**۳۰۰ هکتار**  
مساحت بزرگ‌ترین بوستان شهر و خاورمیانه یعنی بوستان ولایت است که ساخت آن سال ۱۳۸۹ در زمین‌های فرودگاه قدیمی قلعه‌مغی شروع شد و سال ۱۳۹۰ به بهره‌برداری رسید.

**۴۰۰۰ شهید**  
در دوران دفاع مقدس از ساکنان منطقه ۱۷ه‌بودند. به همین دلیل این منطقه، بیشترین تعداد شهدا را داشته و عنوان «دارالشهدا» برای آن انتخاب شده است.

**ری به تنهایی یک گنجینه بزرگ است**



**دار یوش شهزادی**  
تاریخ‌پژوه و تهران‌شناس

طی کاوش‌های انجام‌شده در تپه بالای چشمه علی که در سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ توسط «اریک اشمیت» انجام شد، آثار بسیاری از محوطه اطراف تپه کشف شد که نشانه‌هایی از دوران قبل از اسلام و اشکانیان در آن دیده می‌شود. اریک اشمیت محوطه چشمه‌علی را طی ۳ فصل متوالی کاوید و نتیجه حاصل از آن یافتن آثاری مربوط به ۳ دوره اسلامی، اشکانی و ماقبل تاریخ بوده است. یافته‌های باستان‌شناسان در منطقه ری نشان از تمدن کهن این گستره دارد. پیدایش آثار این تمدن از ۶ هزار و ۲۰۰ سال پیش مشهود بوده و شاهد آن ارائه سفالینه‌های قرمزاجری و شتری‌رنگی است که در چشمه‌علی ری بدون چرخ سفالگری ساخته شده و غالباً به شکل کاسه و بشقاب دیده می‌شود. از ویژگی‌های این سفال‌ها نقش اندازه‌ی‌های پر از حیوانات است که بدنه آنها را پوشانده‌اند. این تمدن در چشمه‌علی ری متولد شد و رشد کرد و خود را به نقاط دیگر رساند. همچنان که در محدوده پیشوا و رامین و نیز در تپه‌های کهریزک و در کاوش سال ۱۲۶۴ شمسی نیز سفال‌های سیاه – خاکستری و به ندرت قرمز از کوره‌های سفال‌پزی متعدد همان مردمی کشف شده است که از ۳ هزار و ۲۰۰ سال پیش در تپه کهریزک به حرفه کوزه‌گری مشغول بوده‌اند. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که ری خود به تنهایی گنجینه‌ای عظیم از آثار باستانی در گستره تهران است. همچنان که «ایزدپور خارکسی یونانی» در قرن نخست میلادی ری را از تمامی شهرهای ماد بزرگ‌تر دانسته و یا در بسیاری از کتب قدیمی مانند مختصرالبیدان، احسن‌التقاسیم، جهان‌نامه، معجم‌المبدان، هفت اقلیم، مجالیس‌المومنین و... از ری به‌عنوان عروس دنیا یادشده است. ری پس از اسلام نیز از اهمیت فراوانی برخوردار بود و آثار باستانی و یافته‌های بسیاری در این گستره از دوره اسلامی کشف شده یا به یادگار باقی مانده است. پس از حمله مغول اماری به ویرانه‌ای تبدیل شد و ۲۰۳ قرن پس از این هجوم هم حیات نیمه‌جان خود را ادامه داد اما دیگری از صورت شهر خارج شد و به روستایی کوچک تنزل کرد.

**ظرف شگفت‌انگیز**

این ظرف خاص با ظاهر عجیب را حدود ۶ دهه پیش در محله دروس پیدا کرده‌اند. برخی از ایرانیان باستان معتقد بودند هر کس از این ظرف بنوشد، ویژگی‌های آن حیوان به او منتقل می‌شود. این اعتقاد ایرانیان باستان بود. مردم باستان، استاد هنرهای کاربردی بودند. اگر امروز یک نفر چنین جسمی را بسازد، به راحتی می‌تواند آن را در یک جشنواره آثار جمعی شرکت دهد. آنها برای کوچک‌ترین و پیشرباافتادترین ابزار زندگی‌شان تمام خلاقیت‌شان را بکار می‌گرفتند.

**آجیل خوری مردگان**

می‌گویند تهرانیان باستان بر ای آجیل و میوه‌هاشان هم ظرف مخصوص داشتند. این ظرف زیبا هم کنار گورهای قیصریه کشف شده و به نوعی برای این بوده که مردگان در زندگی بعدی هم از تفریحات زندگی این دنیا، بی‌نصیب نمانند. اگر خوب به نقش و نگار آن دقت کنید، تصویر یک درخت باشاخه‌هایی پر از میوه را می‌بینید. امضای هنرمند صاحب اثر را هم می‌شود دید. اثر انگشتان سفالگر هنوز روی آن باقی است.

**شاخه زیتون**

تهرانیان باستان برای پختن غذا از ظرف سفالی استفاده می‌کردند؛ شاهد این مدعا کشف این ظرف در قیصریه است. جنس این ظرف‌های سفالی، سخت و محکم است و در برابر حرارت بسیار مقاوم. دهانه آن هم کوچک ساخته شده تا غذا سرد نشود و از دهان نیفتد. با کمی دقت پیدا است که نقش روی ظرف هم یک شاخه زیتون است. آثار به دست آمده نشان می‌دهد که مردم آن زمان تهران، زیتون می‌کاشته‌اند و از چوب و روغن آن استفاده می‌کرده‌اند.

**منطقه ۲۰**

**سفال‌های سیاه، خاکستری و قرمز**

محل اکتشاف: کهریزک  
قدمت: ۲۲۰۰ سال  
سال اکتشاف: ۱۲۶۴ شمسی  
محل نگهداری: نامعلوم

ویژگی: اشیای باستانی کشف‌شده در کهریزک، نشانه‌ای از تمدن منطقه چشمه‌علی ری باستان است و نشان‌دهنده قابلیت‌های هنری ساکنان تمدن چشمه‌علی در تولید سفال‌های دست‌ساز و نقوش هندسی چشم‌نواز آن.

**منطقه ۲۰**

**گورستان باستانی و اشیای سفالی و مفرغی**

محل اکتشاف: پیشوا (ری)  
قدمت: ۴ هزار سال  
سال اکتشاف: ۱۳۶۴  
محل نگهداری: نامعلوم

ویژگی: اشیای سفالی فراوانی در اندازه‌های مختلف در قبور گورستان پیشوا به دست آمده. این سفالینه‌ها به شکل ظروف در فرم‌ها و اشکال گوناگون هستند و در اندازه‌های مختلف تهیه شده و برای مصارف متفاوت فراهم آمده‌اند. اغلب اشیای فلزی این گورستان از جنس مفرغ و از قبیل وسایل پخت‌وپز، رزمی و تزئینی است.

**منطقه ۱**

**۲۵۰۰ ظرف سفالی و... گورستان**

محل اکتشاف: قیصریه  
قدمت: ۲ هزار سال  
سال اکتشاف: ۱۳۳۷  
محل نگهداری: نامعلوم

ویژگی: باستان‌شناسی در تپه قیصریه توسط سیف‌الله کامبخش فرد در مساحتی حدود ۵ هزار مترمربع انجام شد. اشیای و میراث پیدا شده در این تپه از همه تپه‌های باستانی ایران بیشتر است.

**منطقه ۳**

**گورهای باستانی**

محل اکتشاف: خیابان پاسداران  
قدمت: ۲ هزار سال  
سال اکتشاف: ۱۳۶۴  
محل نگهداری: آثار از میان رفت

ویژگی: در خیابان پاسداران، بوستان پنجم، در محدوده زمین‌های اوقاف و هنگام ساخت‌وساز آثار تمان، تعدادی گور باستانی مشاهده شد که حاوی اشیایی بود، اما متأسفانه خود گورها از بین رفت در حالی که گفته می‌شود در سال ۱۳۶۴ تعدادی از آن آثار و اشیای به‌دست کارشناسان آثار باستانی رسید.

**منطقه ۲۰**

**ظروف سیاه، خاکستری و سفال‌های قرمز با نقوش سیاه**

محل اکتشاف: چشمه‌علی  
قدمت: ۶ هزار سال  
سال اکتشاف: ۱۳۱۳  
محل نگهداری: نامعلوم

ویژگی: تمدن ری در چهارراه فرهنگ‌های منطقه‌ای ایران قرار داشت و در تپه چشمه‌علی آثاری غنی از پیش از تاریخ تا دوره تیموری و نیز بقایایی از دوره‌های نوسنگی، کالکولیتیک، اشکانی و اسلامی کشف شده است.

**منطقه ۱۲**

**اسکلت زن ۷ هزار ساله**

محل اکتشاف: خیابان مولوی  
قدمت: ۷ هزار سال  
سال اکتشاف: ۱۳۹۳  
محل نگهداری: موزه ملی ایران

ویژگی: کشف تعدادی سفال در محل حفاری شرکت فاضلاب در محدوده خیابان مولوی، منجر به کشف اسکلت زن ۷ هزار ساله تهران شد.

**منطقه ۳**

**ظروف سفالی**

محل اکتشاف: خانه مخیرالسلطنه در محله دروس  
قدمت: ۳ هزار سال  
سال اکتشاف: ۱۳۱۸  
محل نگهداری: موزه ایران باستان

ویژگی: اشیای باستانی در خانه‌باغ مخیرالسلطنه (مهدی‌قلی‌خان هدایت)، توسط مقتیان هنگام حفار چاه کشف شد. بیل و کلنگ مقتیان، اسکلت مردگان را به هم ریخت، اما تعدادی ظرف سالم بیرون آورده شد. نییمی از اشیای کشف‌شده به صاحب‌خانه و نییمی به موزه اهدا شد.

**ماجرای کشف اسکلت بانوی ۷ هزار ساله**

سال ۱۳۹۳ و در جریان حفاری شرکت آب و فاضلاب، به‌صورت اتفاقی اسکلتی باستانی کشف شد که دید تازه‌ای به تاریخ‌شناسان و تهران‌شناسان درباره تاریخ محدوده فعلی شهر تهران داد. اکنون و پس از آن اکتشاف، قدیمی‌ترین بقایای انسانی کشف‌شده در تهران همین اسکلت باستانی است که ۷ هزار سال قدمت دارد. در آن سال پیدا شدن اسکلت انسان در چهارراه مولوی سروصدای زیادی به پا کرد و باستان‌شناس‌ها را به آنجا کشاند تا تحقیقات میدانی خود را برای روشن شدن ماجرا آغاز کنند. مدتی بعد پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان داد که این اسکلت مربوط به یک زن حدود ۳۵ ساله بوده که طبق آزمایش‌های دقیق حدود ۷ هزار سال پیش زندگی می‌کرده و پس از مرگ در این محدوده به خاک سپرده شده است. همچنین، روشن شد که او احتمالاً بر اثر عفونت استخوانی از دنیا رفته است. به هر روی، هر چند باستان‌شناسان توانستند قدمت، سن و سال و جنسیت فرد متوفی را مشخص کنند اما همچنان سؤالاتی بی‌پاسخ ماند و تاکنون نتوانسته‌اند جوابی برای آنها پیدا کنند. مثلاً آیا این بانوی ۳۵ ساله در نزدیکی محل دفن خود یعنی چهارراه مولوی زندگی می‌کرده و آنجا یک سکونتگاه محلی بوده؟ و اینکه آیا این بانو هنگام عبور از این محدوده از دنیا رفته و همانجا دفن شده است؟ اسکلت بانوی هفت هزار ساله، اکنون در طبقه دوم گنجینه ایران باستان در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

**مقنی‌ها تاریخ ۳ هزار سال پیش دروس را کشف کردند**

در یکی از ماه‌های سال ۱۳۱۸ شمسی هنگامی که چند مقنی و کارگر ساختمانی در گوشه باغ مهدی‌قلی‌خان (مخیرالسلطنه) واقع در دروس مشغول گودبرداری و حفر چاه بودند، بیل و کلنگ‌شان قسمتی از یک گورستان باستانی ساکنان ۳ هزار سال پیش منطقه را در هم کوفت و اسکلت مردگان را به هم ریخت. کنج‌کاووی کارگران و توسعه‌کنندگان باعث شد که تعدادی ظروف سالم و شکسته از طبق زمین بیرون آورده شود. اما جالب اینجاست که ساعتی از این کشف نگذشته بود که در تهران آن روزگار، از گنج و مارهای خفته در اطراف باغ حاج مخیرالسلطنه داستان‌های متعدد و شیرین روایت شد. وقتی خبر کشف دفینه و گنج به گوش مسئولان موزه ایران باستان که از عمر تاسیس آن هنوز ۲ سالی بیشتر نمی‌گذشت رسید، تصمیم گرفتند نییمی از ظروف مشکوفا را به صاحب باغ واگذار و نیم دیگر را به موزه منتقل کنند.



ایلمن کرالیک، شهسوار اسب و رزمگر

برای اطلاع از نام محله‌ها کیو آر کد را اسکن کنید

**۶۰۰ متر مربع** مساحت کاوش محوطه چشمه‌علی بود که توسط گروهی از باستان‌شناسان به سرپرستی «اریک اشمیت» انجام شد و از تاریخ کهن این محدوده از گستره تهران پرده برداشت.

**۳۲۰۰ سال** پیش در کهریزک مردمی زندگی می‌کردند که در کوره‌های سفال‌پزی، مشغول به پیشه سفالگری بودند. این محدوده نیز بخشی از تمدن ری باستان با تاریخی غنی است.

**۶۰۰۰ سال** قدمت سکونت در محدوده چشمه‌علی و متعلق به تمدن ری باستانی است. ظروف سفالین و آثار باستانی یافت شده در این محدوده در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

**۳۵۰ گور باستانی** متعلق به بیش از ۳ هزار سال پیش در اکتشافات تپه قیصریه در حوالی بوستان قیصریه امروزی پیدا شد که نشان از تاریخ کهن این محدوده در تهران دارد.



## چشم به راه معلم زندگی

**مهدی محمودیان، کاسب محله:** من از مسئولان فرهنگسرای خاتم (ص) شنیده بودم که استاد محمود حکیمی، داوطلب برگزاری کلاس‌های داستان‌نویسی در فرهنگسرای خاتم (ص) شده، دلم می‌خواست در این دوره‌ها شرکت کنم. ثبت‌نام کردم و در ۶ جلسه با موضوع کارکردهای داستان، روش‌های نوشتن موضوع‌های مختلف، مضمون و معنای داستان، نحوه آغاز داستان و دیگر مباحث نظری و عملی داستان آشنا شدم که حتی در حرفه و زندگی من بسیار مؤثر بود. امیدوارم خیلی زود دوباره استاد را در فرهنگسرای خاتم (ص) ببینم.

## کتابخانه‌ای به نام استاد

**محمد حیدری، نویسنده و کانال‌ساز:** در منطقه ۱۸ تهران یک کتابخانه به نام استاد حکیمی مزین شده است. او تلاش می‌کند تا فرهنگ مطالعه بین جوان‌ها و نوجوان‌ها جا بیفتد. بادم نمی‌رود که می‌گفت آدم‌ها در سنین پایین‌تر دغدغه ذهنی کمتری دارند و به همین دلیل می‌توان روی آنها سرمایه‌گذاری فرهنگی کرد. استاد حکیمی از بهترین روش‌ها برای علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان به کتابخوانی استفاده می‌کند.



خاطره‌بازی با محمود حکیمی؛ معلم و نویسنده معروف نازی آبادی

# ماجرای سلحشوران علوی و انقلابیون



## بیمارستان مهدیه؛ یادگار تاجر خوشنام محله قیام

در وصیت‌نامه مرحوم مهدی صبحی تأکید شده که حداقل هزینه درمان از بیماران گرفته شود

**پریسا نوری** برای نمازگزاران و اهالی محله شوش مزار گوشه مسجد مهدیه، یاد و خاطره مرحوم حاج مهدی صبحی را زنده می‌کند؛ مردی که ۷۰ سال پیش زمین وسیعی را در یکی از محروم‌ترین محله‌های تهران خرید و در آن مسجد و درمانگاه، دارالایتام و مدرسه علوم دینی بنا کرد.

### از انسان‌های نیک روزگار بود

حجت‌الاسلام مصطفی قاضی، امام‌جماعت مسجد مهدیه، درباره ایدن واقف بزرگ می‌گوید: «زمین مسجد حدود ۱۵۰۰ مترمربع و زمین درمانگاه مهدیه سابق که امروزه به زایشگاه مهدیه معروف است، حدود ۴۰ هزار مترمربع است. تمام زمین‌های این مجموعه را مرحوم صبحی خریداری و وقف کرد.» بیمارستان مهدیه، درست در همسایگی مسجد مهدیه قرار دارد. این بیمارستان سال ۱۳۳۴ به‌صورت درمانگاه افتتاح شده و پس از توسعه و تجهیز در قالب بیمارستان و مرکز درمانی پیشرفته فعالیت می‌کند.

### حداقل هزینه از بیماران گرفته شود

ناگفته پیداست که وجود این مرکز درمانی مجهز در یکی از محروم‌ترین و جنوبی‌ترین نقاط تهران برای مردم این منطقه منشأ خیر است. حاج مهدی صبحی فرزندی نداشت. فاطمه صبحی، برادرزاده و وارث مرحوم صبحی می‌گوید: «عموم طراحی بیمارستان را به معمار معروف ایرانی، حسین لرزاده، سپردند. در وصیت‌نامه آن مرحوم تأکید شده بود که حداقل هزینه درمان از بیماران گرفته شود و در این خصوص به وصیت ایشان عمل شده است.»

### کمک به ساخت مسجد اعظم قم

حاج مهدی صبحی از بازاریان خوشنام و تاجر چرم و برای بسیاری از امور خیریه پیشگام بود. امام‌جماعت مسجد مهدیه خاطرهای در این باره می‌گوید: «پدر بزرگ مرحوم بنده روزی همراه حاج مهدی نزد آیت‌الله بروجردی در قم رفتند. در گفت‌وگویی آیت‌الله بروجردی عنوان می‌کند که بابت ساخت مسجد اعظم قم بدهکار هستند. حاج مهدی فوراً دسته چک خود را آماده می‌کند و مبلغ ۴۰ هزار تومان پرداخت می‌کند.» مرحوم صبحی در ۱۴ دی‌ماه سال ۱۳۴۹ بر اثر کپهولت در ۸۰سالگی از دنیا رفت و طبق وصیت خودش در گوشه‌ای از مسجد به خاک سپرده شد.

## تالیفات خودم را در مسجد دیدم

استاد محمود حکیمی، منطقه ۱۶ را از لحاظ پرورش و وجود نیروهای انقلابی، فرهنگی و همچنین ورزشی غنی می‌داند. او از سخنرانی‌اش در سال ۵۹ در مسجد سیدالشهدا (ع) نازی آباد هم یاد می‌کند و در ادامه می‌گوید: «در آن سال بیشتر کتاب‌های تالیف خود را در کتابخانه کوچک آن مسجد دیدم و از استقبال و کتابخوانی بچه‌های آن محله تعجب کردم.»



**مریم قاسمی** محمود حکیمی، نامی آشنا در عرصه ادبیات دینی است اما او بیش از هر چیز خود را معلمی ساده و عاشق اهل بیت (ع) می‌داند. وقتی از او درباره منطقه ۱۶ می‌پرسم به سال‌های ۴۸، ۴۹، ۵۱ و ۵۲ برمی‌گردد و از دوران تدریسش در دبیرستان شهید سیدفاطمی (عدل سابق) در نازی آباد می‌گوید. استاد حکیمی که به یاد آوردن خاطرات آن سال‌ها برایش دشوار است می‌گوید: «هفته‌ای چند روز از جلوی مسجد سیدالشهدا (ع) نازی آباد رد می‌شدم و می‌رفتم دبیرستان عدل توی خیابان اصلی نازی آباد. آن روزها با حقوق ماهی ۱۲۰ تومان زبان انگلیسی تدریس می‌کردم؛ چون عشق بچه‌های آن محله را داشتم. بعد از تدریس هم می‌رفتم کتابفروشی حاج آقا نیک‌نام که در سمت روبه‌روی دبیرستان عدل بود. حاج آقا نیک‌نام فقط کتاب‌های مذهبی می‌فروخت و ما هم فقط بحث‌های سیاسی و ضدشاه می‌کردیم. آن روزها ساواک روی معلم‌ها در مدارس خیلی حساس شده بود.»

بسیاری از کسانی که در سنین جوانی به جریانات انقلابی ضدحکومت شاه پیوستند، در خاطرات خود از تأثیر داستان‌های سوگند مقدس، دلاوران عصر شب، اشرف‌زاده قهرمان و سلحشوران علوی بر افکار و رفتارشان می‌گویند

## پیشکسوت ادبیات دینی

### ویژه نوجوانان و جوانان

به‌گفته بسیاری از نویسندگان و کارشناسان، استاد حکیمی، پیشکسوت ادبیات دینی ویژه نوجوانان و جوانان است. بسیاری از کسانی که در سال‌های پیش از انقلاب و در سنین جوانی به جریانات انقلابی ضدحکومت شاه پیوستند، داستان‌های سوگند مقدس، دلاوران عصر شب، اشرف‌زاده قهرمان و سلحشوران علوی را به خوبی به یاد دارند و در خاطر ایشان از تأثیر این آثار بر افکار و رفتارشان می‌گویند.

## خاطره دیدار نویسنده در فرهنگسرای بهمن

او درباره آخرین باری که به منطقه ۱۶ آمده می‌گوید: «سال‌ها قبل به دعوت سازمان فرهنگی-هنری شهرداری به فرهنگسرای بهمن رفتم و در آنجا با نوجوانان و جوانان این منطقه دیدار کردم و یک مسابقه کتابخوانی هم برگزار شد که من مسئول داوری آن شدم. در آن جلسه با آقای سهیل محمودی، شاعر و اسماعیل امینی، طنز نویس که در فرهنگسرا بودند، گپ زدیم و چند خاطره از گذشته برایشان گفتم و یکی از دوستان از کتاب «داستان‌هایی از زندگانی امیرکبیر» که آن زمان به چاپ رسیده بود تیرغرف و تعجید کرد و ما را خجالت داد.»

## سوگند مقدس و سلحشوران علوی در دست انقلابی‌ها

تأثیر آثار مذهبی و انقلابی حکیمی در ایجاد روحیه ضداستبدادی و ظلم‌ستیزی جوانان چنان بود که ساواک در سال‌های ۵۷-۵۶ در کتابخانه هر انقلابی مذهبی که دستگیر می‌شد ۲ عنوان کتاب سوگند مقدس و سلحشوران علوی را در کنار آثار انقلابی دکتر شریعتی و دیگران می‌دید و گزارش می‌کرد. در آن سال‌ها استاد محمود حکیمی در اروپا بود و فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی خود را در آنجا پیگیری می‌کرد.

۱۳۸۱



سال‌ی بود که حکیمی در پنجمین جشنواره شهیدرجایی به‌دلیل تالیف کتاب‌های بسیاری در زمینه ادبی و هنری لوح «پیشکسوت برگزیده ملی» را از رئیس‌جمهور دریافت کرد.

۱۳۳۳



سال‌ی بود که معلم استاد، مجله دانش‌آموز را سر کلاس می‌آورد و داستان‌هایی از آن را برای بچه‌ها می‌خواند. از آن زمان بود که محمود حکیمی به مطالعه علاقه پیدا کرد و عاشق خواندن شد.

کارمندان جاپای امیران گذاشتند

هنرمند یا جلال



سرغ نظامی‌ها را در یادگان تشکیلات که بگیریم می‌سیم به سراپاسان رکن‌الدین مختاری؛ ویولن‌زنی چیرهدست که به گفته روح‌الله خالقی، موسیقی‌دان بزرگ، او پیش‌درآمد ماهور را چنان می‌نواخت که کسی به پیش‌نمی‌سید. همین شخصیت متضاد تاریخ، اما چنان‌دماری از مبارزان سیاسی‌زمان در آورده که این گروه او را در قساوت و بیرحمی جلوتر از رضاخان می‌دانستند. او مسبب قتل میرزاده عشقی، فرخی‌یزدی و نصرت‌الدوله فیروز (فرمانفرمایان) است. سرپاس مختاری سال ۱۳۵۰ از دنیا رفت.

هویت این محله از زمان رضاخان شکل گرفت؛ زمانی که حصار ناصری خراب و خندق‌های اطراف پر شد. به‌دستور او که ماشین‌تجددش حرکت کرده بود سال ۱۳۰۶ کلنگ‌ساخت ساختمان راه‌آهن سراسری ایران میان باغ‌های مختار السلطنه زده و سال ۱۳۱۷ نخستین قطار وارد شهر شد. از این زمان کارمندان جاپای امیران قاجاری گذاشتند و اینجا شد محله راه‌آهن. خیابان ولیعصر (عج) که ساخته شد یادگان تشکیلات هم همین‌جا راه افتاد.



این محدوده روزگاری انتخاب اول درباریان و اشراف قاجار برای زندگی بود

محله امیرنشین‌ها

**نصبیه سجادی**  
خیابان مختاری که قدیمی‌ها از آن به عنوان محله یاد می‌کنند، به پاس حضور نخستین راه‌آهن سراسری ایران دروازه ورودی شهر تهران شد و تا قبل از ناصرالدین‌شاه جزو تهران نبود. دیوار طهماسبی که خراب شد و دیوار ناصری جایش را گرفت، از غرب تا کارگر امروزی و از جنوب تا شوش پیش رفت و محله مختاری شد بخشی از تهران؛ البته در انتهای ترین نقطه آن.

ساختمان‌ها جای مزارع سرسبز محله مختاری که امروز پر است از مغازه‌های ریزودرشت و قدیمی با خانه‌ها و ساختمان‌های سن و سال دار، زمانی پر بود از باغ و زمین‌های کشاورزی و مزرعه‌های گندم و سبزی. در نخستین نقشه‌های تهران نام چند نفر روی این باغ‌ها دیده می‌شود؛ معمارباشی، حاج کاظم و حاج عیسی وزیر. معبرالممالک از اشراف و درباریان زمان ناصرالدین‌شاه نیز در همین نقطه تهران برای خودش عمارت زیبایی ساخته بود. منوچهر والی‌زاده، پیشکسوت دوبله که درباره محله‌های تهران پژوهش‌های زیادی انجام داده می‌گوید: «این محله در گذشته، به محله امیرنشین تهران معروف بود. اشراف و درباریان قاجار به جای شمال تهران که امروز به ویلاقی بودن معروفند، می‌آمدند اینجا، سنگلج و عودلاجان و از آب‌وهوای خویش لذت می‌بردند و روزشان را می‌ساختند. باغ مختاری هم کنار همین خانه‌های بزرگ و ویلایی درباریان قرار داشت.»

پدر و پسر معروف امروز در محله مختاری خیلی کم می‌توان ردپایی از افراد نامدار گذشته پیدا کرد؛ غیر از کریم‌خان مختار السلطنه و سرپاسان رکن‌الدین مختاری (پدر و پسر) که به گواه تهران‌شناسان و قدیمی‌های محله، نام مختاری برگرفته از اسم این دو شخصیت تاریخ است. والی‌زاده می‌گوید: «همه زمین‌های مختاری گندمزار بود و شمال این زمین‌ها هم سبزی‌کاری انجام می‌شد.»

ماست را کیسه کن



مختار السلطنه پدر، رئیس‌نظمی ناصرالدین‌شاه که به گواه شهبازی نام محله برگرفته از این شخصیت خوشنام، ولی سختگیر تاریخ است، داستانی دارد که ضرب‌المثل معروف «ماست را کیسه کن» منسوب به اوست. می‌گویند: «روزی مختار السلطنه زمان گران شدن ماست، پنهانی به بازار رفت تا ببیند کسی هست که ماست را گران می‌فروشد یا نه. وقتی در این باب پرس‌وجو می‌کرد، ماست‌فروش بخت‌برگشته‌ای در جواب به او می‌گوید: «ماست با قیمت معمولی می‌خواهید یا به قیمت مصوب مختار السلطنه؟» بعد هم توضیح می‌دهد که ماست معمولی همان است که هر قدر صلاح بدانیم می‌فروشیم و ماست مختار السلطنه هم همان دوغ دم‌در است که دوسومش آب است. مختار السلطنه به فرایشان دستور می‌دهد که ماست فروش را وارونه دم‌در آویزان کنند. سپس یک تگر دوغ را در آلتنگه شلوارش سرازیر می‌کنند و شلوارش را از بالا به میج‌باهش می‌بندند و می‌گویند آن قدر آویزان باشد تا تمام آب‌هایی که داخل ماست کرده از شلوارش خارج شود.» از آن روز بقیه از ترس، ماست‌ها را کیسه کردند.»



پرورش گل در محله رکن‌الدین مختاری در مدت حیاتش گل‌های بسیاری را از خارج از کشور به ایران آورد و در پارک مختار السلطنه پرورش داد. این باغ در پایین دست پل امیر بهادر تا حوالی میدان راه‌آهن ادامه داشت. بخش زیادی از خیابان مختاری فعلی هم قسمتی از این باغ بود و به همین دلیل به نام مختاری است. این باغ بعد از مرگ مختار السلطنه قطعه قطعه شد و حالا دیگر چیزی از آن باقی نمانده است.



مختار السلطنه پدر، رئیس‌نظمی ناصرالدین‌شاه که به گواه شهبازی نام محله برگرفته از این شخصیت خوشنام، ولی سختگیر تاریخ است، داستانی دارد که ضرب‌المثل معروف «ماست را کیسه کن» منسوب به اوست. می‌گویند: «روزی مختار السلطنه زمان گران شدن ماست، پنهانی به بازار رفت تا ببیند کسی هست که ماست را گران می‌فروشد یا نه. وقتی در این باب پرس‌وجو می‌کرد، ماست‌فروش بخت‌برگشته‌ای در جواب به او می‌گوید: «ماست با قیمت معمولی می‌خواهید یا به قیمت مصوب مختار السلطنه؟» بعد هم توضیح می‌دهد که ماست معمولی همان است که هر قدر صلاح بدانیم می‌فروشیم و ماست مختار السلطنه هم همان دوغ دم‌در است که دوسومش آب است. مختار السلطنه به فرایشان دستور می‌دهد که ماست فروش را وارونه دم‌در آویزان کنند. سپس یک تگر دوغ را در آلتنگه شلوارش سرازیر می‌کنند و شلوارش را از بالا به میج‌باهش می‌بندند و می‌گویند آن قدر آویزان باشد تا تمام آب‌هایی که داخل ماست کرده از شلوارش خارج شود.» از آن روز بقیه از ترس، ماست‌ها را کیسه کردند.»



وای به حال دختری که مشق بلد باشد

**بهاره خسروی**  
از بیچ کوچی که گذر می‌کردی، آواز خوش بچه‌ها شنیده می‌شد که با لحنی آهنگین مشق ملاباشی را تکرار می‌کردند: «الف» دوزیر «ان» و دوزیر «ان» و دو پیش «ان» «ان» «ان»، «ب» یکی به زیر دارد، «پ» سه تا به زیر دارد، «ت» دو تا به سر دارد، «ج» یکی توشکم دارد، «ح» هیچی توشکم ندارد؛ اینجا یکی از مکتبخانه‌های تهران قدیم است. در روزگاری که خبری از مدرس مدرن امروزی نبود. پس از نماز صبح، زمانی که آفتاب در کش و قوس بیدار شدن بود، بچه‌ها صبحانه را نصفه و نیمه با یک استکان چای، از ترس دیر رسیدن به مکتب و فلک ملاباشی، به سرعت سر می‌کشیدند و کتاب‌های «عم جزء»، «عاق والدین»، «گلستان و بوستان سعدی»، «قلمدان و دوات را همراه بقچه با چاشت و تشکجه زیر انداز بر می‌داشتند و راهی مکتبخانه می‌شدند. این مکتبخانه‌ها، ظاهری کاملاً ساده داشتند و فضای آن اغلب با حصیر، نم یا گلیم‌های فرسوده و کهنه، چند میز کوتاه برای دانش‌آموزان و تشکجه‌هایی از جنس گلیم، گونی و جاجیم بود که هر دانش‌آموز برای خود از خانه می‌آورد. مکتب‌دارهای مرد را آخوند، میرزا، ملا ملاباشی و زن‌ها را ملاباجی می‌گفتند. اما ماجرای علم و تحصیل فرزندان اعیان و اشراف در مکتبخانه متفاوت بود. فرزندان آنها به جای رفتن به مکتبخانه و نشستن در کلاس‌های شلوغ و دغدغه‌چوب و فلک ملاباشی در خانه می‌نشستند و این ملاباشی بود که با دریافت مبلغی برای آموزش، برای آنها خصوصی تدریس می‌کرد. البته در آن دوران در س خواندن تنها مختص اولاد ذکور خانواده نبود. دختران هم می‌توانستند بر اساس قاعده و عرف زمانه با رعایت موازین شرعی، راهی مکتبخانه شوند. آنها هر روز صبح «قرآن» می‌خواندند و وعده ناهار را در بقچه ویژه مکتبخانه می‌پیچیدند و پس از سر کردن چادر همراه برادر یا پدر راهی مکتبخانه زنانه و نشستن پای درس ملاباجی می‌شدند. برای جلوگیری از ورود نامحرم اغلب در مکتبخانه دخترانه بسته بود. بر اساس قانون، دخترها در مکتبخانه، چادر و روبنده را از سر بازمی‌کردند و به جای آن چادر نماز سر می‌کردند. هر دختر یک تکه گونی به‌عنوان زیر انداز داشت که روی آن می‌نشست. مهم‌ترین کتاب درسی دخترها، قرآن بود. خیاطی و دوخت و دوز و مطالبی که برای زندگی، مناسب یک دختر باشد، از مهم‌ترین مباحث آموزشی مکتبخانه‌های زنانه بود. اما جالب‌ترین بخش ماجرای این آموزش‌ها، مشق نداشتن دختران بود. دخترها تنها اجازه خواندن داشتند اما نوشتن را برای دختر عملی زشت و ناپسند می‌دانستند.



**بهترین قصه‌های تاریخی تهران**  
 جایزه می‌گیرند

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرگاه‌ها، واقعه‌های تاثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیروز و قصه‌ها و ماجراهای پس پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما از سال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.  
**نشانی و شماره تماس:** ۲۲۰۲۳۶۶۴-۲۶۴ mahaleh@hamshahri.org

# روایت قهرمانی‌های یک بچه محل

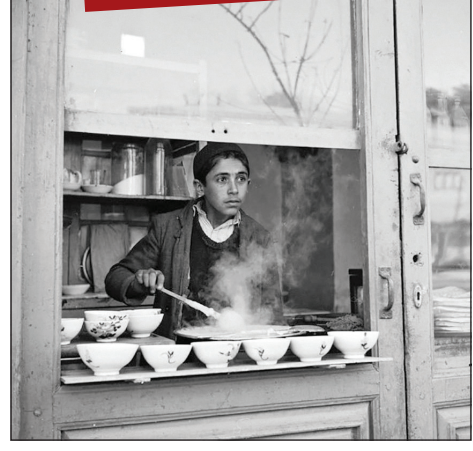
## اعجوبه چتر بازی ایران در امامزاده حسن

خیابان امین‌الملک تهران، امامزاده حسن (ع)، را که به سمت چهارراه یافت‌آباد بروید، درست در تقاطع دوراهی که به شکل میدانی بزرگ درآمده، المان و نمادی متفاوت توجه‌تان را جلب می‌کند؛ هواپیمای بی‌بال رو به آسمان و خلبانی که سوی خورشید می‌رود؛ شهیدی که آوازه شجاعت و رشادت‌هایش تا دوردست‌ها رسیده است و خیلی‌ها معتقدند او در چتر بازی و خلبانی اعجوبه بود؛ سردار شهید و استاد خلیان احمد مایلی. او بچه محله امامزاده حسن (ع) تهران و ساکن منطقه ۱۷، فرمانده یگان ویژه هوایی «صابرین» و یگان ویژه هوایی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران بود که در جریان یک عملیات شناسایی در منطقه ایرانشهر سیستان و بلوچستان در نوزدهم مهرماه ۱۳۹۵ به شهادت رسید. خلیان مایلی در بیشتر عملیات‌های مبارزه با اشراک و قاچاقچیان در مناطق عملیاتی کردستان و مناطق مرزی سیستان و بلوچستان حضور داشت.

مریم قاسمی



### آش‌های خوشمزه تهرانی‌ها



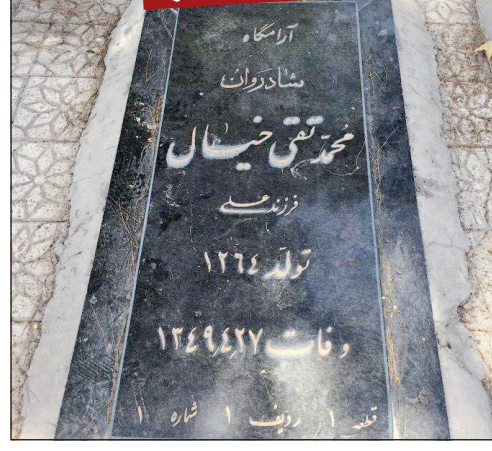
قصه آش ایرانی به‌ویژه در تهران که در شناسنامه فرهنگ غذای یونسکو ثبت شده و نحوه خوردن آن با قاشق چوبی خواندنی است. بخت آش از دوره قاجار در میان اهالی پایتخت نشین رایج شد. به توصیف اوزن اوین، سفیر فرانسه در ایران روزگار قاجار، با وجود آنکه در میان اعیان، برای هر وعده غذا، حتما برنج درست می‌شود، آش حضور پررنگی دارد. علی‌اکبرخان کاشانی، آشپز ناصرالدین شاه، در کتاب «سفره اطعمه» نوشته که برای شاه قاجار ۲۴ نوع آش طبخ می‌شده، داریوش شهبازی، تهران شناس، درباره طبخ ۲ آش مشهور در تهران که با قاشق‌های چوبی خورده می‌شد، می‌گوید: «۲ آش در بازار تهران پخته و عرضه می‌شد که مختص پایتخت‌نشینان است: آش نذری (ابودرداء) و آش «کشک کله‌بره» که با استفاده از کله بره تازه به دنیا آمده تهیه می‌شد. علاوه بر این در تهران آش آلو، آش لوجه، آش گوجه برغانی که صفرابری بوده، آش جو، آش کلم، آش خجندر، آش اشکنه شنبلیله، آش سماق و آش انار پخته می‌شد.»

### میدان ۸۰ ساله پایتخت



تاریخ تهران به دوره پهلوی که رسید دروازه‌های شهر را برداشتن و تهران از حصار ناصری خارج شد. در همان دوران بود که محدوده میدان امام حسین (ع) امروزی به پایتخت اضافه شد. کم‌کم رفت‌وآمد در این بخش از شهر زیاد شد و طولی نکشید که در ابتدای دهه ۲۰ خورشیدی، میدانی در این محدوده بنا شد. طبق منابع تاریخی، در نخستین نقشه‌های که در سال ۱۳۱۷ از تهران کشیده شد، هنوز نشانی از ساخت این میدان نیست و گویا در میانه سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۳، این میدان بنا شده است. در آن زمان آبنمایی طبقه در میانه میدان وجود داشت و دور تا دور این میدان تازه‌ساز، حوض، فواره و چمن بود. ۱۰ سال بعد هم، ۴ مجسمه اسب در میانه میدان قرار گرفت و به محلی برای بازی بچه‌ها و عکس گرفتن تهرانی‌ها تبدیل شد.

### سنگ مزار نخستین متوفی بهشت زهرا



اوایل دهه ۵۰ بود که خبر دفن یک متوفی در بهشت زهرا (س) و اهدای یک دستگاہ پیکان به خانواده‌اش سر زبان‌ها افتاد. طبق نوشته روی مزار، مرحوم محمدتقی خیال، فرزند علی، متولد سال ۱۲۶۴ بوده که ۲۷ تیرماه سال ۱۳۴۹ از دنیا رفته است و به تقدیر روزگار نامش در فهرست اولین‌های تهران به ثبت رسیده است. البته بعدها خانواده‌اش اعلام کردند که هدیه یک دستگاہ پیکان شایعه‌ای بیش نبوده است. سرانجام گورستانی که با هدف پایان دادن به دفن اموات در قبرستان‌های متعدد در پایتخت در سال ۱۳۴۵ شکل گرفته بود در نهایت سال ۱۳۴۹، نخستین مهمان دائمی خود را پذیرفت. پس از محمدتقی خیال که در قطعه یک، ردیف یک و شماره یک به خاک سپرده شد، حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار پیکر دیگر هم در بزرگ‌ترین گورستان ایران ساکن شدند تا جایی باشد برای خواب ابدی اهالی این شهر پربهاو.

### بیمارستان در محیط کاخ قجری



طبق منابع تاریخی وقتی بیماری سل گریبان مظفرالدین‌شاه را گرفت، درباریان به توصیه پزشک فرانسوی از میان آبدای‌های خوش آب و هوای شمیران، دارآباد را برای سکونت شاه انتخاب کردند و طولی نکشید که این کاخ، برای سکونت شاه ساخته شد و دارآباد در میان مردم به شاه‌آباد معروف شد. ۲۹ سال بعد از بستری شدن شاه قجری در کاخ، دکتر مسیح دانشوری مجوزهای لازم را از دربار کسب کرد تا یک مدرسه پرستاری در این زمین دایر کند. دانشوری در سال ۱۳۱۶ این مرکز را به نام «آسایشگاه سل شاه‌آباد» راه‌اندازی کرد و هنوز بیمارستان مسیح دانشوری یکی از بزرگ‌ترین مراکز آموزش، پژوهش و درمان بیماری‌های ریوی سل در کشور است.